

گفت‌وگوی «جوان» با مهندس پرویز فتاح، رئیس کمیته امداد امام خمینی(ره)

خوش حساب‌ترین مشتری بانک‌ها مددجویان کمیته امداد هستند

دولت به وظایفش عمل کند ورودی‌ها به امداد کم می‌شود

می‌توانیم به ۱۴۰هزار نفر وام خوداشتغالی بدهیم



به‌همراه پرویز فتاح

درآمدی آن کشورها معنا پیدا می‌کند. در این رده‌بندی کشورهایی در ترازهای بالاتر قرار دارند که چند قلم از خدمات را به صورت کامل و صددرصدی به ملت ارائه می‌کنند. مثل بهداشت و درمان، آموزش و پرورش و بیمه که به تک تک شهروندان با عدالت و به صورت مساوی سرویس داده می‌شود.

انجام و خدمات‌رسانی در این زمینه‌ها را دولت به سازمان یا نهادی واگذار نمی‌کند و بسیار مهم است که این کارها به نحو احسن و در بالاترین سطح ارائه شود.

همه افراد از بدو تولد بیمه می‌شوند و همین پشتوانه بزرگی است که تا آخر عمر همراه آنهاست. وقتی این خدمات را کنار بگذاریم، در باقی موارد حرفه‌ای عمل می‌شود و هزینه تمام خدمات به نسبت استفاده و بهره‌مندی، از مردم گرفته می‌شود. آنها هیچ توصیه‌ای برای کم مصرف کردن ندارند. زیرا هزینه‌ها انقدر بالاست که مردم خودشان نمی‌توانند اسراف کنند و هر کس هم که بخواهد بیشتر مصرف کند باید هزینه‌های بسیار بالایی بپردازد. اما در کشور ما خدمات درست تعریف نشده‌است مثلاً در حوزه بهداشت و درمان ناقص عمل می‌کنیم، یا در بحث آموزش و پرورش خدمات و سرویس‌ها مساوی و درست نیست.

به همین دلیل می‌بینیم در هر شهر، یک سطح برای آموزش تعریف شده‌است. ببینید در تهران و کاشان و شهرستان‌ها نحوه خدمات‌رسانی آموزشی خیلی باهم فرق دارد. حالا اگر به یک روستای دورافتاده برویم می‌بینیم کاملاً شرایط فرق می‌کند و انقدر با افت آموزشی مواجه می‌شویم که قابل مقایسه با شهرها نیست. این شیوه

اصلاً درست نیست و خلاف عدالت است. ما می‌گوییم همه هموطن هستند اما چرا باید این همه فرق باشد؟ یا شرایطی را آماده کرده‌ام که تمام ایرانی‌ها در بهره‌مندی از برخی خدمات به صورت کامل و برابر پیش بروند؟

اگر منافذ ورودی به کمیته امداد با تدبیر نظام و با سیاست‌های کلی که مصوب شده‌است گرفته شود، شرایط خیلی بهتر می‌شود.

شما چندین بار در مورد بیمه سلامت و اینکه باید گسترده شود اظهار نظر کرده‌اید. آیا نظر تان این است که مدیریت این کار به امداد انتقال یابد؟ یا می‌خواهید دولت چترش را گسترده‌تر کند؟

نظرمان این است دولت به وظایفش درست عمل کند. آموزش و پرورش وظیفه دولت است و ما نباید برای فقرا مدرسه درست کنیم. مسکن وظیفه دولت است و ما نباید محله فقرا درست کنیم، بیمه فقرا هم همینطور. ما مایلیم دولت چترش را بندازد تا ورودی‌ها به امداد کم شود.



گفت‌وگو
محمدرضا هادیلو

خمینی(ره) است؛ تشکلی که به‌ادعای همگان، اولین نهاد نظام به شمار می‌آید. وقتی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ انقلاب مردم ایران سه پیروزی رسید، امام خمینی(ره) آن را انقلاب مستضعفان نامید و ۲۲ روز بعد از آن یعنی در ۱۴ اسفند با دستور مستقیم رهبر انقلاب کمیته امداد با هدف کمک‌رسانی و تحت پوشش قرار دادن نیازمندان تشکیل شد. حالا رئیس این کمیته معتقد است رازی در این دستور وجود دارد. مهندس پرویز فتاح بحث‌های مطروح در مورد فقر و مستمندان و نیازمندان و مستضعفین را جزو مباحث حاشیهای نمی‌داند و با تأکید می‌گوید: «اینها متن انقلاب امام(ره) و متن دین ما هستند.» به پیانه‌سی و نهمین سالگرد تأسیس کمیته امداد امام خمینی(ره) به سراغ مهندس پرویز فتاح رئیس این کمیته رفتیم. ایشان در این گفت‌وگو به تشریح برنامه‌ها و دیدگاه‌های خود و سازمان تحت امرش در رابطه با نیازمندان جامعه و نحوه توانمند کردن آنها پرداخت که در پی می‌آید:

در حال حاضر چند نفر تحت پوشش امداد هستند؟

یک و نیم میلیون خانواده معیشت‌بگیر که مجموعاً حدود ۳ میلیون نفر می‌شوند.

اما مسئولان در رده‌ها و جایگاه‌های مختلف آمارهای دیگری ارائه می‌کنند. حتی این آمارها تا ۵ میلیون نفر زیر خط فقر هم عنوان شده است ...

وقتی می‌گوییم دولت به همه افراد در تمام کشور یارانه می‌دهد به این معناست که کسی بدون نان شب نیست. اینکه برخی افراد پولشان را صرف مباحث و نیازهای دیگری می‌کنند بحث دیگری است. اما ما معتقدیم وقتی نان شب نداری، خرج کردن پول برای کارهای دیگر اشتباه است. البته برای افراد و خانواده‌هایی که تحت پوشش امداد هستند، غیر از یارانه مبالغ دیگری هم در نظر گرفته شده‌است که به آنها پرداخت می‌شود.

پس با این هدفمندی چنین استنباط می‌شود که همه به اندازه نان شب دارند که آنها را فقیر مطلق عنوان نکنیم. متأسفانه در بحث آموزش و در بحث آمارها مشکل داریم به همین خاطر صدهای مختلفی شنیده می‌شود.

در دولت‌ها هم هر کز به یک اتفاق نظر نمی‌رسند و این مسئله حل نمی‌شود. به همین خاطر معتقدم روی همه

این آمارها نمی‌توان حساب منطقی باز کرد. البته رد نمی‌کنم فقر مطلق وجود ندارد اما اینکه جحش چقدر است باید بر اساس تحقیق و آمار دقیق باشد.

از نظر شما فقر باید بر چه اساس و معیارهایی تعریف شود؟

باید ببینیم چه سطحی از رفاه را در جامعه تعریف می‌کنیم که بر اساس آن بگوییم پایین‌تر از آن فقر است.

این بستگی به نظام و مملکت و دولت دارد و مهم‌تر اینکه نباید بستگی کارهایمان را روی آمارها اشتباه بنا کنیم.

امروز نیازهای خانواده‌ها تغییر کرده و بر همین اساس فقر هم با تعاریف جدید خود را نمایان می‌کند. آیا وقتی خانواده‌ای نمی‌تواند نیازهای تحصیلی کودک یا نوجوانش را تأمین کند، فقیر نیست؟

بله. ما تعاریف جدید را هم شنیده‌ایم و هم لمس کرده‌ایم. مثلاً وقتی به خانواده مددجویان رویم، بچه‌ها می‌گویند تلبت و رایانه می‌خواهیم. سؤال ما هم این است که آیا نداشتن تلبت و رایانه جزو فقر و داشتنش توانمندی به شمار می‌آید؟

هر چند ممکن است در آن خانه از نظر نیاز به کفش و لباس هم مشکل داشته باشند اما بچه‌ها می‌گویند معلم گفته باید کارها و برنامه‌ها در گروه و از طریق اینها پیگیری شود.

یاد روستاها اکثر افراد گوشی موبایل دارند. آیا نداشتن یک گوشی نشانه فقر و داشتنش توانمندی است؟

ما چیزهایی را برای زندگی‌ها تراشیده‌ایم که همگی هزینه‌زا هستند. یعنی گوشی تلفن، خریدنش یک هزینه است و ماهانه هم هزینه‌ای برای استفاده از آن لازم است. یا آموزش و پرورش کاری کرده که دانش‌آموزان اگر تلبت یا رایانه نداشته باشند در پیشرفشان خلل ایجاد می‌شود. اینها مسائلی هستند که ما را درگیر کرده و نمی‌توانیم فقط به معیشت خانواده‌ها فکر کنیم.

آقای فتاح! شما به دولتی بودن خدمات عمومی اعتقاد دارید؟ یا فکر می‌کنید باید هزینه‌ها آزاد باشند و هر کس به اندازه مصرفش در هزینه پرداخت کند؟

در تمام دنیا حکومت‌ها مسئولیتی در قبال ملت‌ها دارند که باید به قدر توان و وسعشان نیازهای آنان را مرتفع کنند. بر همین اساس رتبه‌بندی‌هایی به وجود می‌آید و این رتبه‌بندی بر اساس توانمندی اقتصادی و

کسی بتواند برای پنج نفر اشتغالزایی کند تا ۱۰۰ میلیون هم می‌دهیم.

صندوق ولایت برای پرداخت وام‌هایش از چه ضوابطی پیروی می‌کند؟

صندوق ولایت تابع ضوابط بانک‌های دیگر نیست. یعنی ما اصلاً ضامن نمی‌خواهیم. تحت پوشش به سراغ خودمان می‌آید و در سهول‌ترین حالت وامش را دریافت می‌کند. البته این کار با کمک دولت و مجلس و صرف انرژی زیاد انجام شده است.

چه تضمین و نظارتی روی وام‌ها هست که به نتیجه برسد. یعنی برای نسوختن پول و درست سرمایه‌گذاری شدن چه برنامه‌هایی دارید؟

تذکر بسیار درستی است و تجربه نشان می‌دهد حتی قبلاً دولت‌ها هم در این امر موفق نبوده‌اند. در وام‌های دولتی وام را به کار آفرین داده‌اند تا ایجاد اشتغال کند اما او می‌خواسته نیرو را کم کند؛ دو هدفی که متناقض هستند.

ما الان وام را به خود افسراد می‌دهیم. مگر اینکه واقعاً کار آفرین باشد که مطمئن باشیم این ۵ تا ۲۰ میلیون (به ازای هر نفر شغل) را به او بدهیم می‌تواند پنج نفر را مشغول به کار کند.

خیلی مواقع سختگیری می‌کنیم. چون اگر این اتفاق نیفتد هم پول ما از دست رفته است و هم کسی مشغول به کار نشده‌است.

این به هنر ما و تدبیر و حساسیت و التزامی که می‌گیریم بستگی دارد.

چند درصد وام‌های شما در مسیر اشتغال هزینه می‌شود و اگر پولی به مددجویی دادید و به هر دلیلی سوخت و به نتیجه نرسید چه می‌شود؟

بیش از ۷۰ درصد وام‌های امداد به علت سبک بودن به‌احتی می‌تواند موجب ایجاد یک شغل خانگی شود.

امداد برای کاهش جمعیت تحت پوشش خود نیازمند ایجاد شغل است و شما بارها در مورد مددجویان پایدار صحبت کرده‌اید. در همین راستا برای ایجاد اقتصاد درون‌زا چه کارهایی می‌کنید؟

کارهای ما دو بخش است؛ یک بخش حمایتی که باید حتماً و به‌سرعت انجام شود. یعنی خانواده یا شخص تحت حمایت از گرسنگی و زندگی ساقط نشود. حمایت‌هایی که باید حتماً امروز انجام شود. مثلاً اگر به دانش‌آموز نیازمند رسیدگی نشود از تحصیل بازمی‌ماند. در کنار کارهای حمایتی است که کارهای اصلی تداوم سالمندانی که سن بالایی دارند و زمینگیرند، یا معلولان و مصدومان و خامی‌که سه بچه یتیم دارد، باید به سرعت خدمات‌رسانی شود.

اما بخش دیگر کارها در جامعه‌ای است که استعداد دارند و وظیفه داریم از آنها دستگیری کنیم و کمک کنیم تا درآمدی داشته باشند تا از زیر پوشش خارج شوند.

ما نباید معیشت و نیازهای اولیه را از یاد ببریم و معتقدیم در کنار کارهای حمایتی است که کارهای اصلی تداوم پیدا می‌کند. با این‌حال هم‌اکنون بیشترین حجم مشغله را مصروف اشتغال کرده‌ایم. ما ۲۱۰۰ میلیارد تومان وام اشتغال داریم و برای اولین بار است که دولت و مجلس با هماهنگی هم این کار را می‌کنند.

نکته حائز اهمیت اینکه وام‌ها خرد هستند. حداکثر وام ۲۰ میلیون تومان است. پیش‌بینی کرده‌ایم امسال به ۱۴۰هزار نفر وام بدهیم. این باعث می‌شود بعد از مدت حدود یک سال، نمی‌گوییم همه وام‌گیرندگان، اما حدود ۷۰ درصد آنها یک درآمد حداقلی برای خودشان دست و پا کنند.

آیا با این روش می‌توانید جامعه تحت پوشش خود را کاهش دهید؟

طی یک سال و نیم ما ۱۵ درصد جامعه هدف را کم کرده‌ایم. هیچ علاقه‌ای به بزرگ‌تر کردن این جامعه نداریم. اگر بحث اشتغال رونق بگیرد خود به خود ورودی هم کم می‌شود. در گام اول باید کسانی که حضور دارند را کاهش دهیم.

از حدود دو ماه پیش یارانه مددجویان را نیز به صورت متمرکز وارد صندوق ولایت کرده‌اید. این چه تأثیر یا کمکی به خدمات‌رسانی شما می‌کند؟

جامعه تحت پوشش امداد تا قبل از این اقدام از سه حساب پول می‌گرفتند؛ یکی مستمری که ما می‌دادیم. یکی دولت تصویب کرده و خودش پرداخت می‌کرد و سومی هم دریافت یارانه بود. این سه مبلغ هیچ ارتباطی به هم نداشتند که ما آنها را تجمیع کردیم. با این تمرکز حالا می‌تایم هر خانواده چقدر دریافتی دارد. مزیت بعدی این است که مثلاً خانواده‌ای هر ماه حدود ۶۰۰ هزار تومان دریافتی دارد. حالا آنها اگر بخواهند وامی بگیرند دیگر ضامن نمی‌خواهند چون ضمانتش همین کارت ولایت است. کسانی که تا قبل از این نمی‌توانستند یک وام ۱۰ میلیونی بگیرند (چون اقساط آن بالا بود) حالا خیلی راحت وام‌های بالاتر را هم دریافت می‌کنند. به همین دلیل ما نیز قابلیت وام‌ها را از ۵میلیون به ۲۰ میلیون ارتقا دادیم.

کارت و صندوق ولایت ضامن مددجویان است. شاید قبلاً بعضاً بدحساب می‌شدند اما حالا می‌تایم درآمدهایی دارند که در یکجا متمرکز است. ضمناً از رسوب و مانده‌حساب‌ها هم توانسته‌ایم تا دو برابر سال قبل وام بدهیم که در سال آینده خیلی بیشتر می‌شود.

در جایی گفته بودید که تا ۱۰۰ میلیون تومان هم برای اشتغالزایی پرداخت می‌کنید...
بله برای ایجاد هر شغل ۲۰ میلیون وام می‌دهیم و اگر

یا گلدوزی و آشنیزی کند. کاری که اجازه بدهد مادر در کنار خانواده باشد. اگر بخواهیم کاری ایجاد کنیم که دور از خانواده باشد به او ظلم کرده و یک آسیب دیگر برای او و بچه‌ها و تحصیلشان به وجود آورده‌ایم.

با تمام این مشکلات و تفاسیر باید بگویم جامعه هدف ما خوش‌حساب‌ترین‌ها در بانک‌ها هستند. آنها که وام‌های ۲ هزار میلیار دی گرفته‌اند و نمی‌دهند مطلع باشند بر اساس اعلام بانک‌ها کمتر از یک درصد وام‌های امداد لاوصولی است. شما معتقدید هر تعداد خیریه بنا بشود به نفع شماست. اما در زلزله اخیر کرمانشاه حدود ۲۰۰۰ شماره حساب در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد. آیا این نشان از اعتماد نداشتن مردم به خیریه‌ها نیست؟

نه. مافکر می‌کنیم خیریه‌ها مزاحم نیستند. رقیب نیستند. منتها در مجوز دادن و نظارت‌ها باید دقت زیادی شود. خیریه‌ها از قدیم در جامعه ریشه دارند و حضرت آقا هم در این باره به بنده تذکر داده‌اند که به جایگاه این خیریه‌ها و مردم دیندار و متدین احترام بگذاریم. البته یک تذکر هم دادند و فرمودند انقلاب‌های مخملی را در قالب خیریه‌ها انجام می‌دهند.

در مجموع اصل کار خیریه‌ها درست است. چه کسی گفته حتماً باید زیر نظر کمیته امداد باشند. فقط باید دقت کرد خیریه‌ها همسو باشند و نیت خیر داشته و متدین و مؤمن باشند.

من فکر نمی‌کنم اگر کسی به خیریه‌ای اعتماد کرده به من بی‌اعتماد است.

اما در حال حاضر خیریه‌هایی هستند که در آمدزا بوده و به صورت وراثتی و نسل به نسل آمده‌اند و حالا به فساد کشیده شده‌اند.

من رد نمی‌کنم. یک اشکالی در قانون ماست و در مجلس هم گفته‌ام و آن هم اینکه در حال حاضر سه مرکز مجوز خیریه می‌دهد؛ وزارت کشور، بهزیستی و نیروی انتظامی.

دوم اینکه خیریه‌ها بعد از ایجاد رها هستند. این در حالی است که کمیته امداد بیشتر وقتش را صرف پاسخگویی به نظارت‌ها می‌کند.

سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات کل کشور، حراست کشور و شرکت مفیدراهربر و دفتر رهبری ... همه ما را کنترل می‌کنند که انحرافی نداشته باشیم.

اما خیریه‌ها را چه کسی کنترل می‌کند؟ چرا مجوز می‌دهید و کنترل نمی‌کنید؟

اگر خیریه‌ای تخلف کرد باید یک کارت زد به آن

د



نهادهی که مجوز را صادر کرده‌بدهند.

مردم به اینها اعتماد کرده‌اند.

مردم اهل خیر هستند و فکر کرده‌اند این خیریه کمک‌هایشان را می‌برد و به نیازمندان می‌رساند. این یک شکاف قانونی است.

قانون اینک مجوز را به کمیته امداد نداده که در مورد عملکرد خیریه‌ها سؤال کنیم و آنها هم پاسخگویی ما نیستند. دولت مسئول است وقتی مجوزی می‌دهد به نیتش برود و نظارت و کنترل کند. با این حال بارها گفته‌ایم اگر این مجوز را به ما بدهند خیریه‌ها مسئولیت بپذیریم و کنترل کنیم و پاسخگو هم باشیم.

در مورد سهام عدالت جامعه تحت پوشش‌تان برنامه‌ای ندارید؟ آیا فکر نمی‌کنید این سهام هم ز بر نظر شما باشد در خدمات‌رسانی مطلوب‌تر تان تأثیر گذار باشد؟

همینطور است. مثل یارانه‌ها معتقدیم سهام عدالت مربوط به جامعه هدفمان هم باید زیر نظر ما باشد. می‌گوییم این افراد سهام عدالت دارند اما اصلاً نمی‌دانند چه سهمی و از کجا مال آنهاست؟ دولت اعلام کرده قرار است ۱۵۰ هزار تومان در سه مرحله به سهامداران بپردازد. حتماً مددجویان ما هم این پول را خرج می‌کنند و تمام می‌شود. فردا هم بعد از آزاد کردن سهم‌ها، آن را می‌فروشند و ۲میلیون تومان از دستشان می‌رود. چرا باید این کار انجام شود؟ دولت می‌تواند تولید سهام‌ها را به ما بسپارد. ما ممکن است ارزش افزوده چند برابری برای آنها ایجاد بکنیم. در حال حاضر متولی اینها دولت است. دولت وقتی واگذار کرده است نباید برود و در صنایع مختلف سهامداری بکند. چون قانوناً حق ندارد. این سهام‌ها واگذار شده‌است. وقتی به منا واگذار شد می‌توانیم به نیابت از مددجویان برویم و پیگیر کارها باشیم که چرا سود اینها به دولت می‌تواند تقسیم‌شده؟ اگر این اتفاق بیفتد هم سهام از دست جامعه تحت پوشش خارج نمی‌شود و هم پشتوانه‌ای مالی تا مرز خودکفایی برایشان ایجاد می‌شود.